

چشمه و سنگ - خلاصه دانش‌ها

ستایش: به نام کردگار

تاریخ ادبیات

یکی از آثار منظوم عطار نیشابوری: الهی‌نامه

قالب الهی‌نامه عطار: مثنوی

که پیدا کرد آدم از کفی خاک

به نام کردگار هفت افلاک

افلاک: ج فلک، آسمان‌ها / پیدا کرد: آفرید

«» با نام آفریننده هفت آسمان (جهان هستی) آغاز می‌کنم که حضرت آدم را از مثنی خاک آفرید. (مفهوم: آغاز با نام خدا / آفرینش)

● مجاز: هفت افلاک «مماز از» کل هستی - کف «مماز از» مقدار کم / تضاد: افلاک و خاک / در مصراع اول فعل به قرینه معنوی حذف شده است.

ز رحمت، یک نظر در کار ما کن

الهی، فضل خود را یار ما کن

فضل: بخشش، کرم، نیکویی / رحمت: لطف و مهربانی

«» خدایا، فضل و بخشش خود را یار و همراه ما قرار بده و از روی رحمت و لطف به کار ما توجه و عنایتی بکن. (مفهوم: درخواست لطف و عنایت از خدا)

تویی خلاق هر دانا و نادان

تویی رزاق هر پیدا و پنهان

رزاق: روزی دهنده / خلاق: بسیار آفریننده

«» تو روزی دهنده تمام موجودات، از آشکار و پنهان، هستی و تو آفریننده همه آفریده‌ها، از دانا و نادان، هستی. (مفهوم: رزاق بودن خدا / آفریننده بودن خدا)

● تضاد: پیدا و پنهان - دانا و نادان / ترصیع: واژگان دو مصراع، یک به یک هم‌وزن هستند و حرف مشترک پایانی دارند. / تناسب: رزاق و خلاق

تویی هم آشکارا، هم نمانم

زهی گویا ز تو، کام و زبانم

زهی: آفرین، شبه جمله تحسین به معنی آفرین / کام: سقف دهان، مجازاً دهان، زبان

«» چه خوش است که زبان و دهانم از لطف تو گویا شده و تمام آشکار و پنهان وجود من تو هستی. (مفهوم: لطف و عنایت خدا)

● تناسب: گویا، کام، زبان / مجاز: کام «مماز از» دهان و زبان - آشکار و پنهان من «مماز از» کل وجود / تضاد: آشکارا، پنهان / زهی: شبه جمله و معادل یک جمله است.

حقیقت، پرده برداری ز رخسار

چو در وقت بهار آبی پدیدار

حقیقت: حقیقتاً، به طور واقعی / رخسار: چهره

«» وقتی که در فصل بهار آشکار می‌شوی و حقیقتاً چهره خود را نشان می‌دهی ... (مفهوم: تجلی زیبایی خداوند در پدیده‌های جهان هستی / عرفا معتقدند که جمال و زیبایی خداوند در پدیده‌های جهان هستی نمایان می‌شود و فصل بهار اوج آشکار شدن زیبایی خداوند در طبیعت است.)

● کنایه: پرده برداشتن از ... «کنایه از» نشان دادن / قید: حقیقت: حقیقتاً

فروغ رویت اندازی سوی خاک

عجایب نقش؛ سازی سوی خاک

فروغ: پرتو، روشنائی / عجایب: ج عجیب، شگفتی‌ها، چیزهای شگفت‌آور و بدیع

«فروغ رویت اندازی سوی خاک» (مفهوم: پرتو نور چهره‌ات را بر طبیعت می‌تابانی و نقش و نگارهای شگفتی را در طبیعت به وجود می‌آوری). (مفهوم: پرتو جمال الهی باعث زیبایی آفرینش است) ● استعاره: فروغ رویت (اضافه استعاری) - نقش‌ها «استعاره از» - زیبایی‌های طبیعت (گل‌ها و گیاهان) / مجاز: خاک «مجاز از» - طبیعت و جهان هستی / فروغ: مفعول / «ت» در «رویت»: مضاف‌الیه

گل از شوق تو خندان در بهار است

از آتش رنگ‌های بی‌شمار است

شوق: میل شدید

«گل از شوق دیدار تو در فصل بهار، خندان و شکوفا شده و به همین خاطر رنگ‌های بی‌شمار دارد». (مفهوم: تجلی جمال خداوند در پدیده‌ها / فراگیر بودن عشق الهی در جهان هستی)

● استعاره (تشخیص): خندان بودن گل / کنایه: خندان شدن گل «کنایه از» - شکفتن گل / حسن تعلیل: علت خیالی که برای رنگ‌های بی‌شمار گل آورده شده است. / جهش ضمیر: ضمیر «ش» مضاف‌الیه «رنگ‌ها» است و پس از واژه «بی‌شمار» قرار می‌گیرد. (رنگ‌های بی‌شمارش)

هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی

بیتین دانم که بی‌شک، جانِ جانی

جان: روح (جانِ جان: روح‌بخش موجودات، اصل هر چیز)

«من تو را هر چه توصیف کنم تو بیشتر از آن هستی و یقین می‌دانم که تو اصل و وجودبخش روح هستی». (مفهوم: قابل توصیف نبودن خدا / ایمان به آفرینندگی خدا) ● تلمیح: اشاره به آیه شَبَّانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ: او منزّه و فراتر است از آنچه وصفش می‌کنند. (انعام / ۱۰۰) / جناس: آن، جان

نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی

تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی

«خدا یا من هرگز نمی‌دانم و تنها تو می‌دانی آنچه را که می‌خواهی». (مفهوم: دانای مطلق بودن خدا / نادانی انسان نسبت به خواست و مشیت خدا) ● واج‌آرایی: تکرار مصوّت «ی» / تکرار: «نمی‌دانم» و «تو دانی» برای تأکید، تکرار شده است.

الهی‌نامه، عطار نیشابوری

چشمه و سنگ

تاریخ ادبیات

«شعر چشمه و سنگ»: سروده نیما یوشیج (علی اسفندیاری)

«شعر چشمه و سنگ»: مثنوی

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا

غلغلزن، چرونا، تیزپا

غلغله زن: شور و غوغاکنان / تیزپا: شتابنده، سریع

«چشمه‌ای از سنگی جدا شد و غرّش‌کنان با خودنمایی به سرعت حرکت کرد». (مفهوم: سرعت و خودنمایی و غرور چشمه) ● کنایه: چشمه نما «کنایه از» - خودنمایی‌کننده - تیزپا «کنایه از» - شتابان / استعاره (تشخیص): چهره‌نمایی و تیزپایی چشمه

گر بدهان، بر زده کف چون صدف

گاه چو تیری که رود بر هدف

«گاهی به خاطر سرعت مانند صدف دهانش کف‌آلود می‌شد و گاهی مانند تیری بود که به سرعت به سوی هدف می‌رود». (مفهوم: توصیف سرعت چشمه) ● تشبیه: چشمه «مانند» - صدف / تیر / تشخیص: نسبت دادن دهان به صدف و چشمه / جناس: صدف، هدف / تناسب: دهان، صدف - تیر، هدف

گفت: درین مرکز، کی‌تا منم

تاج سر گلبن و صحرا، منم

معرکه: میدان جنگ، جای نبرد / یکتا: بی‌نظیر / گلبن: بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل / صحرا: دشت هموار، هامون، در اینجا؛ دشت سرسبز

«گفت: من در این میدان یگانه و بی‌نظیرم و مانند تاج، زینت بخش بوته گل و دشت (طبیعت) هستم». (مفهوم: خودستایی و غرور)

● تشبیه: چشمه «مانند» - تاج / مجاز: تاج «مجاز از» - زینت / کنایه: تاج سر بودن «کنایه از» - مایه بزرگی، افتخار و زیبایی

چون بدوم، سبزه در آغوش من

بوسه زند بر سرو بر دوش من

«وقت می‌دوم سبزه‌ها در آغوش من - به نشانه عزیز بودنم - بر سرو کتف من بوسه می‌زنند. (مفهوم: خودستایی)»
 ● کنایه: بوسه زدن «کنایه از» عزیز و دوست‌داشتنی شمردن / اضافه استعاری (تشخیص): آغوش من (آغوش چشمه) / استعاره (تشخیص): بوسه زدن سبزه / جناس ناقص: بر و سر

چون بکشیم ز سر مو، شکن

ماه ببیند رخ خود را به من

شکن: بیچ و خم زلف
 «وقت بیچ و خم موهایم را باز می‌کنم، ماه چهره خود را در من می‌بیند. (مفهوم: خودستایی، انعکاس ماه در آب آرام، شاعر چشمه پراز موج را مانند انسانی با موهای پرچین و شکن تصور کرده که با آرام شدن، چین و شکن موهایش را باز می‌کند و مانند آینه‌ای می‌شود که ماه چهره خود را در آن می‌بیند.)»
 ● استعاره: مو «استعاره از» آب - شکن «استعاره از» موج / استعاره (تشخیص): ماه رخ خود را می‌بیند. (رخ خود) / مراعات نظیر: سر، مو، شکن

قطره باران که در افتد به خاک

زو بدد بس گهر تباک

گهر: مخفف گوهر، مروارید
 «قطره بارانی که بر زمین می‌افتد، از آن مروارید درخشانی به وجود می‌آید. (مفهوم: تواضع باعث عزت است. / در گذشته اعتقاد داشتند مروارید همان قطره باران است که به دریا می‌افتد و صدف آن را پرورش می‌دهد.)»
 ● تلمیح: اشاره به اعتقاد قدما / مجاز: خاک «مجاز از» زمین

در بر من، ره چو به پایان برد

از غبلی سر به گریبان برد

خجلی: شرم، خجالت کشیدن / گریبان: یقه لباس
 «اگر آن قطره با من همراه شود، از شرم و خجالت سرش را پایین می‌اندازد. (مفهوم: فخر فروشی / کوچک شمردن دیگران)»
 ● کنایه: راه به پایان بردن «کنایه از» همراهی - سر به گریبان بردن «کنایه از» خجالت / جناس ناقص: سرو بر - در و سر

ابر ز من، حامل سرمایه شد

باغ ز من صاحب پیرایه شد

حامل: حمل‌کننده، دارنده / پیرایه: زیور
 «ابر سرمایه‌اش را که باران است، از من گرفته است و باغ هم زینت و زیبایی‌اش را از من گرفته است. (مفهوم: خودستایی و غرور)»
 ● استعاره: سرمایه «استعاره از» باران - پیرایه «استعاره از» گل‌ها و گیاهان / استعاره (تشخیص): سرمایه‌دار شدن ابر و صاحب پیرایه شدن باغ / موازنه: هم‌وزنی یک به یک واژگان دو مصراع

گل به همه رنگ و برانگگی

می‌کند از پرتو من زندگی

برانگگی: شایستگی لیاقت / پرتو: نور
 «گل با تمام خوش‌رنگی و شایستگی زندگی خود را از من دارد. (مفهوم: خودستایی و غرور، فخر فروشی)»
 ● استعاره (تشخیص): نسبت دادن زندگی به گل / واج‌آرایی: تکرار واج «گ»

در بن این پرده نیلوفری

کیست کند با چو منی همسری؟

بن: نه، انتها، در اینجا؛ زیر / نیلوفری: منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی، آبی رنگ؛ در متن درس، مقصود از «پرده نیلوفری»، آسمان لاجوردی است. / همسری: برابری
 «کسی زیر این آسمان آبی نمی‌تواند با من برابری کند. (مفهوم: تکبر و خودپسندی)»
 ● پرسش انکاری: کیست؟ کسی نیست. (هدف از این پرسش انکار کردن وجود حریف است.) / استعاره: پرده نیلوفری «استعاره از» آسمان / نیلوفری: صفت نسبی

زین نمط آن مست شده از غرور

رفت وز مبدأ چو کی گشت دور

نمط: روش، نوع / مبدأ: محل شروع / بحر: دریا

«آن چشمه که از غرور سرخوش و مست شده بود، همان طور رفت تا از محل شروع حرکت خود کمی دور شد،

● کنایه: مست شده - کنایه از - خوشحال و سرخوش

دید یکی بجز خروشنده‌ای

سهمگین، نادره، جوشنده‌ای

سهمگین: مخفف سهمگین، ترسناک / نادره: بی‌نظیر، بی‌مانند

«دریای خروشان و ترسناکی را دید که در جوشش و موج بی‌مانند بود. (مفهوم: غرور و غفلت / عظمت دریا)

● واج آرای: تکرار واج «ن» و مصوت «ی»

نعره برآورده، فلک کرده کر

دیده سیه کرده، شده زهره در

نعره: فریاد / زهره: کیسه صغرا

«دریا فریاد می‌کشید طوری که با فریادش گوش آسمان را کر کرده بود و از خشم چشمانش سیاه شده بود و همه را از ترس زهره ترک می‌کرد.

(مفهوم: توصیف شکوه و ترسناکی دریا)

● کنایه: کر کردن فلک - کنایه از - صدای بسیار زیاد - سیاه کردن دیده - کنایه از - خشمگین بودن - زهره در بودن - کنایه از - ترسناک بودن

راست به مانند یکی زلزله

داده تنش بر تن ساحل، یک

راست: درست / یله: آزاد، رها

«دریا درست مانند زلزله‌ای بود که تنش را بر روی ساحل رها کرده بود. (مفهوم: توصیف موج‌های سنگین دریا که بر ساحل می‌خوردند.)

● تشبیه: دریا - مانند - زلزله / اضافه استعاری (تشخیص): تنش (تن دریا) / تکرار: تن

چشمه کوچک چو به آنجا رسید

وان همه هنگامه دریا بید

هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم

«وقتی که چشمه کوچک به آنجا رسید و شور و غوغای دریا را دید... (مفهوم: حیرت و شگفت‌زدگی)

● استعاره (تشخیص): نسبت دادن «دیدن» به چشمه

خواست کزان ورطه، قدم در کشد

خویشتن از حاشه برتر کشد

ورطه: زمین پست، مهلکه، هلاکت

«... خواست که از آن مهلکه دوری کند و خود را از خطر نجات دهد.

● کنایه: قدم در کشیدن - کنایه از - دوری کردن - برتر کشیدن - کنایه از - نجات دادن

لیک چنان خیره و خاموش ماند

کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند

خیره: سرگشته، حیران، فرمانده، لجوج، بیهوده

«اما با دیدن دریا چنان شگفت‌زده و ساکت ماند که با آن همه زبان‌آوری و خوش‌سخنی، مشغول گوش دادن به صدای دریا شد.

(مفهوم: حیرت و شگفت‌زدگی)

● حس آمیزی: شیرین بودن سخن / مجاز: گوش - مجاز از - شنیدن

دانش‌های زبانی و ادبی

دانش‌های زبانی

- 1 تعیین اجزای اصلی جمله ساده: برای تعیین اجزای اصلی جمله باید گذرا یا ناگذر بودن فعل را تشخیص داد. فعل گذرا برای اجرا کردن به مفعول، مسند یا متمم فعل نیاز دارد و فعل ناگذر تنها به نهاد نیاز دارد.
مثال: برای اجرای فعل «آمدن» تنها، نهاد کافی است ولی برای اجرای فعل «دیدن» علاوه بر نهاد جزء دیگری (مفعول) نیز لازم است.
- 2 اجزای اصلی جمله: نهاد، مفعول، متمم فعل، مسند، فعل
- 3 اجزای فرعی جمله: متمم قیدی، قید، وابسته‌های اسم (مضاف‌الیه، صفت، متمم اسم)، نقش‌های تبعی (معطوف، بدل، تکرار)
- 4 مفعول: گروه اسمی که پس از آن نقش‌نمای «را» باشد یا بتوان این نقش‌نما را بدان افزود.
مثال: ۱- من کتابم را برداشتم. ۲- دوستم از فروشگاه کتاب خریده بود. (کتاب را)

دانش‌های ادبی

- 1 نماد (symbol): هر علامت، اشاره، شکل و واژه‌ای که نماینده کیفیتی در ذهن باشد.
مثال: سنگ: نماد نرمی ناپذیری ♦ لاله: نماد شهید ♦ نی: نماد غریب دور از وطن و اصل خویش ♦ کوه: نماد مقاومت
- 2 کنایه (معنی معنی): پوشیده سخن گفتن درباره چیزی را کنایه می‌گویند. معنی اول کنایه هیچ‌گاه موردنظر نیست و هدف از آوردن آن تنها معنی و مفهوم غیر مستقیم آن است.
مثال: همی از دهن بوی شیرآیدش. مفهوم بوی شیر آمدن، کودکی و بی‌تجربگی است نه شیرخوارگی.
- 3 حس آمیزی: آمیختن دو یا چند حس در کلام را حس آمیزی می‌گویند.
مثال: کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد. آمیختن حس لامسه با شنوایی در نسبت دادن «تر» به «شعر».

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱- معادل معنایی هر یک از واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.
میدان جنگ (.....) ♦ جرئت (.....) ♦ شیوه (.....) ♦ کمیاب (.....)
- ۲- معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.
در بن این پرده نیلوفری
راست به مانند یکی زلزله
کيست کند با چو منی همسری؟
داده تنش بر تن ساحل یله
- ۳- بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید و نام اجزای آن را بنویسید.
گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
غلغله‌زن، چهره‌نما تیزیا
- ۴- در بیت پانزدهم، کدام گروه اسمی، در جایگاه مفعول قرار دارد؟
در بیت پانزدهم، کدام گروه اسمی، در جایگاه مفعول قرار دارد؟

قلمرو ادبی

- ۱- هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
«چون بگشایم ز سر مو، شکن
گه به دهان برزده کف چون صدف»
ماه ببیند رخ خود را به من
گاه چو تیری که رود بر هدف»
- ۲- با توجه به شعر نیما «چشمه» نماد چه کسانی است؟
- ۳- مفهوم کنایه مشخص شده را بنویسید.
«در بر من ره چو به پایان برد»
از خجلی سر به گریبان برد»
- ۴- آمیختن دو یا چند حس، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند؛ مانند: «از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر»؛ به جای «شنیدن سخن»، «دیدن سخن» آمده است.
نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.

◆◆ قلمرو فکری ◆◆

- ۱- پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟
- ۲- معنای بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

- «نره برآورده، فلک کرده کر
 دیده سیه کرده، شده زهره در»
- ۳- سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید.
- یکی قطره باران ز ابری چکید
 خجل شد چو پهنای دریا بدید
 که جایی که دریاست من کیستم؟
 گر او هست حقاً که من نیستم
 چو خود را به چشم حقارت بدید
 صدف در کنارش به جان پرورید
 بلندی از آن یافت کو پست شد
 در نیستی کوفت تا هست شد
- ۴- دوست دارید جای کدام یک از شخصیت‌های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟ برای انتخاب خود دلیل بیاورید.

◆◆ پاسخ کارگاه متن‌پژوهی ◆◆

◆◆ قلمرو زبانی ◆◆

- ۱- معرکه / زهره / نمط / نادره
- ۲-

واژه	همسری	راست
معادل امروزی	برابری	عیناً، درست

- ۳- یک چشمه (نهاد) / غلغله زن، چهره نما، تیز پا (قید) ز سنگی (متمم) جدا (مسند) / گشت (فعل)
- ۴- آن همه هنگامه دریا

◆◆ قلمرو ادبی ◆◆

- ۱- بیت اول: استعاره: شکن مو = استعاره از امواج آب / تشخیص: نگاه کردن ماه به رخ خود / اضافه استعاری: رخ ماه (خود)
- بیت دوم: تشبیه: چشمه = مانند صدف و تیر / تشخیص: نسبت دادن دهان به صدف و چشمه / جناس: صدف و هدف
- ۲- نماد انسان‌های متکبر و خودخواه
- ۳- سر به گریبان بردن: خجالت کشیدن
- ۴- «لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند»
 شیرین سخنی (سخن، قابل شنیدن است ولی شیرینی، قابل چشیدن است.)

◆◆ قلمرو فکری ◆◆

- ۱- حیرت زده شد و به عظمت دریا و ناچیز بودن خود پی برد.
- ۲- دریا فریاد می‌کشید طوری که با فریادش گوش آسمان را کر کرده بود و از خشم، چشمانش سیاه شده بود و همه را از ترس زهره ترک می‌کرد.
- ۳- سعدی در این قطعه داستان قطره‌آبی را نقل کرده که وقتی به دریا می‌افتد، احساس کوچکی می‌کند. ولی همین فروتنی موجب می‌شود که صدفی او را در آغوش خود بپرورد و به مروراید ارزشمندی تبدیل کند. در شعر نیما چشمه به جای قطره باران است که از سنگی جدا شده و مسیرش را با تکبر و فخر فروشی طی می‌کند ولی وقتی به دریا می‌رسد، شگفت زده شده، سکوت می‌کند و به صدای دریا گوش می‌دهد. در شعر سعدی نتیجه فروتنی، ارزشمندی قطره باران است ولی در شعر نیما تنها شگفت‌زدگی چشمه بیان شده است.
- ۴- دریا، چون باشکوه و باعظمت است.

گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

📖 دانشمندی در بیابان به چوپانی رسید و به او گفت: چرا به جای تحصیل علم، چوپانی می‌کنی؟

چوپان در جواب گفت: آنچه خلاصه دانش‌هاست، یاد گرفته‌ام.

دانشمند گفت: خلاصه دانش‌ها چیست؟

چوپان گفت: پنج چیز است:

- تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم. (مفهوم: دعوت به راست‌گویی)

- تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم. (مفهوم: دوری از حرام)

- تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم. (مفهوم: دوری از عیب و گناه / نکوهش عیب‌جویی)

- تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم. (مفهوم: بی‌نیازی از خلق / تکیه به رزاق بودن خدا)

- تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم. (مفهوم: دوری از هوای نفس تا پایان عمر)

● کنایه: قدم گذاشتن = کنایه از - وارد شدن

📖 دانشمند گفت: حقا که تمام علم را دریافته‌ای، هر کس این پنج خصلت را داشته باشد، از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.

خصلت: خوی، اخلاق

● تشبیه (اضافه تشبیهی): آب حقیقت، حقیقت = مانند آب

♦ داستان‌های صاحب‌دلان، به کوشش محمدی اختیاری

درس

۱

چشمه و سنگ - خلاصه دانش‌ها



پرسش‌های چهار گزینه‌ای

قلمرو زبانی

۱- در کدام گزینه غلط املائی دیده می‌شود؟

- (۱) گُل به همه رنگ و برانده‌گی
 (۲) نعره برآورده، فلک کرده کر
 (۳) که جایی که دریاست من کیستم؟
 (۴) یکی قطره باران ز ابری چکید

۲- در عبارت‌های زیر چند غلط املائی دیده می‌شود؟

«تا مال هلال تمام نشده، حرام نخورم. چو خود را به چشم حفاتر بدید، غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزیبا، تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳- در کدام گزینه واژه‌ای نادرست معنی شده است؟

- (۱) غلغله‌زن، معرکه، شکن، گریبان: نعره‌زنان، میدان نبرد، چین، یقه لباس
 (۲) پیرایه، تیزیبا، نیلوفری، همسری: زیور، سرعت، آبی، برابری
 (۳) نمط، مبدأ، سهم، بحر: روش، سرآغاز، ترس، دریا
 (۴) گلبن، یله، هنگامه، ورطه: بوته گل، رها شده، غوغا، جای هلاکت

۴- چند واژه در داخل کمانک نادرست معنی شده است؟

- زهی (آفرین) - رزاق (پروردگار) - فضل (فزونی) - افلاک (آسمان) - خلاق (آفریدگار) - کام (دهان) - رُخسار (گونه) - فروغ (روشنایی)
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵- واژگان کدام گزینه همگی هم خانواده نیستند؟

- (۱) فروغ، فارغ، فراغت (۲) فضل، فضول، فاضل
 (۳) رزق، ارتزاق، رازق (۴) غافل، غفلت، اغفال

۶- کدام گزینه معنی کلمه «خیره» نیست؟

- (۱) بیهودگی (۲) لجوج (۳) فرومانده (۴) سرگشته

۷- در کدام گزینه همه معانی واژه، درست نیست؟

- (۱) گلبن ← بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل
 (۲) فضل ← بخشش، کرم، نیکویی
 (۳) ورطه ← زمین پست، هلاکت، مهلک
 (۴) کام ← سقف دهان، مجازاً دهان، زبان

۸- در کدام گزینه کلمات هم خانواده یا هم ریشه به درستی نوشته نشده است؟

- (۱) رویش- روش- رفتن (۲) خواست- خواهش- خواستگاری (۳) گشت- گردید- گردش (۴) پیرایش- پیراستن- پیرایه

۹- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
 (۲) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۳) فروغ رویت اندازی سوی خاک
 (۴) نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی
- تویی خلاق هر دانا و نادان
 تویی هم آشکارا، هم نهانم
 عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک
 تو دانی و تو دانی، آنچه خاهی

۱۰- در کدام گزینه همه معانی «هنگامه» دیده می‌شود؟

- (۱) زمان - غوغا - اوقات - شلوغی
 (۲) زمانه - غوغا - صبح زود - شلوغی
 (۳) شلوغی - داد و فریاد - غوغا - جمعیت مردم
 (۴) زمان - داد و فریاد - روزگار - جمعیت مردم

۱۱- نقش واژه‌های مشخص شده در کدام گزینه، درست توصیف شده است؟

- (۱) به نام کردگارِ هفت افلاک
 (۲) الهی، فضلِ خود را یار ماکن
 (۳) تویی رزاقِ هر پیدا و پنهان
 (۴) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۱) که پیدا کرد آدم از کفی خاک (نهاد)
 (۲) ز رحمت، یک نظر در کار ماکن (مفعول)
 (۳) تویی خلاقِ هر دانا و نادان (مسند)
 (۴) تویی هم آشکارا، هم نهانم (قید)

۱۲- کدام گزینه در مورد بیت «نعره بر آورده، فلک کرده کر / دیده سیه کرده، شده زهره در» نادرست است؟

- (۱) سه مفعول و سه مسند دارد. (۲) نهاد جمله‌ها حذف شده است.
 (۳) بیت شش جمله دارد. (۴) فعل جمله‌ها ماضی نقلی است.

۱۳- تعداد اجزای اصلی جمله‌ها در کدام گزینه درست بیان شده است؟

- (۱) یکی قطره باران ز ابری چکید
 (۲) که جایی که دریاست من کیستم؟
 (۳) چو خود را به چشم حقارت بدید
 (۴) بلندی از آن یافت کو پست شد
 (دوجزئی / سه‌جزئی)
 (سه‌جزئی)
 (سه‌جزئی)
 (دوجزئی / سه‌جزئی)

۱۴- تعداد جمله در کدام گزینه درست آمده است؟

- (۱) گل به همه رنگ و برانزنگی
 (۲) در بُنِ این پرده نیلوفری
 (۳) زین نمط آن مست شده از غرور
 (۴) دید یکی بحر خروشنده‌ای
 (دو جمله)
 (سه جمله)
 (سه جمله)
 (یک جمله)

۱۵- ضمیر پیوسته در کدام گزینه با نقش مشخص شده در بیت زیر یکسان است؟

- «اَبَر ز مَن، حامل سرمایه شد»
 (۱) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۲) فروغ رویت اندازی سوی خاک
 (۳) گل از شوق تو خندان در بهار است
 (۴) راست به مانند یکی زلزله
 (باغ ز من صاحب پیرایه شد)
 (تویی هم آشکارا، هم نهانم)
 (عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک)
 (از آنش رنگ‌های بی‌شمار است)
 (داده تنش بر تن ساحل، یله)

۱۶- در کدام بیت ترکیب وصفی وجود ندارد؟

- (۱) به نام کردگارِ هفت افلاک
 (۲) تویی رزاقِ هر پیدا و پنهان
 (۳) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۴) گل از شوق تو خندان در بهار است
 (که پیدا کرد آدم از کفی خاک)
 (تویی خلاقِ هر دانا و نادان)
 (تویی هم آشکارا، هم نهانم)
 (از آنش رنگ‌های بی‌شمار است)

۱۷- در کدام بیت شبه‌جمله وجود دارد؟

- (۱) تویی رزاقِ هر پیدا و پنهان
 (۲) چو در وقتِ بهار آیی پدیدار
 (۳) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۴) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی
 (تویی خلاقِ هر دانا و نادان)
 (حقیقت، پرده برداری ز رخسار)
 (تویی هم آشکارا، هم نهانم)
 (یقین دانم که بی‌شک، جانِ جانی)

۱۸- نقش واژه‌های مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) الهی، فضلِ خود را یار ماکن
 (۲) چو در وقتِ بهار آیی پدیدار
 (۳) تویی رزاقِ هر پیدا و پنهان
 (۴) زهی گویا ز تو، کام و زبانم

۱۹- مصراع اول کدام گزینه، جمله چهارجزئی با مفعول و مسند است؟

- (۱) الهی، فضلِ خود را یار ماکن
 (۲) فروغِ رویت اندازی سوی خاک
 (۳) گل از شوقِ تو خندان در بهار است
 (۴) چون بگشایم ز سر مو، شکن

۲۰- در کدام گزینه ضمیر پیوسته می‌تواند در دو نقش متفاوت استفاده شود؟

- (۱) راست به مانند یکی زلزله
 (۲) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۳) فروغِ رویت اندازی سوی خاک
 (۴) گل از شوقِ تو خندان در بهار است

۲۱- در کدام گزینه فعل به قرینه معنوی حذف شده است؟

- (۱) تویی رزاقِ هر پیدا و پنهان
 (۲) به نام کردگارِ هفت افلاک
 (۳) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی
 (۴) نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی

۲۲- در کدام گزینه مفعول وجود ندارد؟

- (۱) خواست کزان ورطه، قدم درکشد
 (۲) چشمه کوچک چو به آنجا رسید
 (۳) دید یکی بحر خروشنده‌ای
 (۴) قطره باران که در افتد به خاک

قلمرو ادبی

۲۳- در بیت «گه به دهان، بر زده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» کدام آرایه ادبی یافت نمی‌شود؟

- (۱) تشخیص (۲) تشبیه (۳) تضاد (۴) مراعات نظیر

۲۴- آرایه‌های بیت «گل از شوقِ تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) تشبیه، استعاره، تشخیص (۲) مراعات نظیر، تشخیص، حسن تعلیل (۳) استعاره، تشبیه، ایهام (۴) تضاد، جناس، تشخیص

۲۵- آرایه‌های روبه‌روی کدام گزینه درست آمده است؟

- (۱) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
 (۲) گفت: درین معرکه، یکتا منم
 (۳) چون بدوم، سبزه در آغوش من
 (۴) چون بگشایم ز سر مو، شکن
- عُغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا (تشبیه، تشخیص)
 تاجِ سرِ گلبن و صحرا، منم (حسن آمیزی، تشخیص)
 بوسه زند بر سر و بر دوش من (مراعات نظیر، تضاد)
 ماه ببیند رخ خود را به من (استعاره، تشخیص)

۲۶- در بیت «زهی گویا ز تو، کام و زبانه / تویی هم آشکارا، هم نهانم» کدام آرایه وجود ندارد؟

- (۱) مراعات نظیر (۲) مجاز (۳) تشبیه (۴) تضاد

۲۷- آرایه کدام بیت نادرست است؟

- (۱) چو در وقت بهار آبی پدیدار
 (۲) به نام کردگار هفت افلاک
 (۳) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
 (۴) فروغ رویت اندازی سوی خاک

۲۸- در کدام گزینه جناس وجود دارد؟

- (۱) در بر من، ره چو به پابان برد
 (۲) دید یکی بحر خروشنده‌ای
 (۳) راست به مانند یکی زلزله
 (۴) خواست کزان ورطه، قدم درکشد

قلمرو فکری

۲۹- مفهوم بیت «به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک» در کدام بیت کامل‌تر بیان شده است؟

- (۱) بحر آفرید و بر و درختان و آدمی
 (۲) توحید گوی او نه بنی آمدند و بس
 (۳) به نام خداوند جان و خرد
 (۴) خداوند هفت آسمان و زمین

۳۰- در همه ابیات به جز بیت به یک باور کهن اشاره شده است.

- (۱) باران از بس که شد مکرر
 (۲) گوهر اگر ز قطره باران شود پدید
 (۳) گریه شام و سحر شکر که ضایع نشد
 (۴) آن گوهر رخشنده بر آن پیکر تیغش

۳۱- ویژگی اخلاقی چشمه پیش از رسیدن به دریا، در شعر نیما با کدام گزینه مناسبت ندارد؟

- (۱) بر ندارد به فلک سر ز سر کبر مگر
 (۲) بلندی از آن یافت کاو پست شد
 (۳) کای به خود مغرور از کبر و منی
 (۴) مبادا هیچ کس بر خویش مغرور

۳۲- در همه گزینه‌ها مفهومی از آسمان دیده می‌شود به جز گزینه

- (۱) در بُن این پرده نیلوفری
 (۲) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
 (۳) گردن بیهوده‌ای از دور مینا می‌کشد
 (۴) بحر چون برجاست مشکل نیست ایجاد حباب

۳۳- کدام‌گزینه با بیت «لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند» تناسب بیشتری دارد؟

- (۱) پس خموشی به دهد او را ثبوت
 (۲) شد فراموش ز تکرار خموشی سخنم
 (۳) وصال اندر خموشی باز دیدم
 (۴) خامش کن و حیران نشین حیران آفرین

۳۴- مفهوم کنایه موجود در بیت «در بر من، ره چو به پایان برد / از خجلی سر به گریبان برد» در کدام گزینه تکرار شده است؟

- (۱) خواهی که سرخ روی شوی در بسیط خاک
 (۲) جوهر تیغش به قتلیم سرخ کرده روی خویش
 (۳) ز گلگونه عصمتش سرخ روی
 (۴) پیش رندان سرخ رو شد فانی از یک جام می

۳۵- کدام‌گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۲) ما چو ناییم و نوا در ما ز توست
 (۳) ما همه شیرین و شیران علم
 (۴) این جهان کوه است و فعل ما ندا

۳۶- بیت «نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی / تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی» با کدام بیت تناسب بیشتری دارد؟

- (۱) من چه گویم یک رگم هشیار نیست
 (۲) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی
 (۳) وقتشان بر سر زبان راند
 (۴) مرا گویی چه سانی من چه دانم

۳۷- کدام‌گروه از ابیات با بیت «که جایی که در یاست من کیستم؟ / گر او هست حقاً که من نیستم» تناسب معنایی دارند؟

- (الف) گفت که تو شمع شدی قبله این جمع شدی
 (ب) آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم
 (ج) برخی (فدا) جانت شوم که شمع افق را
 (د) سعیدیا گر بکند سیل، فنا خانه عمر
 (ه) گرتو سری قدم شوم ور تو کفی علم شوم
 (۱) الف، ج، د (۲) ب، د، ه

۳۸- کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟

- (۱) به نام نقش بند صفحه خاک
 (۲) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 (۳) ز خاک آفریدت خداوند پاک
 (۴) به نام کردگار هفت افلاک

۳۹- در کدام بیت باوری کهن در مورد قطره باران دیده می‌شود؟

- (۱) صد هزاران قطره یک باران بود
 (۲) حقیر تا نشماری تو آب چشم فقیر
 (۳) در صدف بسیار بارد قطره باران همی
 (۴) از برگ شقایق ابر فروردین

۴۰- با توجه به درس «چشمه و سنگ» چشمه مخاطب کدام بیت قرار گرفته است؟

- ۱) کرد شبنم را به خورشید آشنا افتادگی
- ۲) سرفرازی را نباشد جنگ با افتادگی
- ۳) از سپر انداختن، گل امن شد از نیش خار
- ۴) سرکشی از سر بنه چون آتش سوزان که کرد

- قطره را شد سوی دریا رهنما افتادگی
- دولت خورشید را دارد به پا افتادگی
- می‌کند کوته زبان خصم را افتادگی
- سجده‌گاه سرفرازان خاک را افتادگی

۴۱- مفهوم بیت «در بُن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری» در کدام گزینه دقیق‌تر بیان شده است؟

- ۱) بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت
- ۲) بر اوج فلک چون بیرم، از نظر تیز
- ۳) گر بر سر خاشاک یکی پشه بجنبید
- ۴) بسیار منی کرد و ز تقدیر نترسید

- امروز همه روی زمین زیر پر ماست
- می‌بینم اگر ذره‌ای اندر تک دریاست
- جنبیدن آن پشه عیان در نظر ماست
- بنگر که ازین چرخ جفا پیشه چه برخاست

۴۲- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) لیک چنان خیره و خاموش ماند
- ۲) اگرچه پیش خردمند خامشی ادب است
- ۳) اگر پای در دامن آری چو کوه
- ۴) نه فراموشی‌ام از ذکر تو خاموش نشانند

- کز همه شیرین سخنی گوش ماند
- به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی
- سرت ز آسمان بگذرد در شکوه
- که در اندیشه اوصاف تو حیران بودم

۴۳- بیت «در بر من، ره چو به پایان برد / از خجلی سر به گریبان برد» کدام گزینه را کامل می‌کند؟

- ۱) گفت : درین معرکه، یکتا منم
- ۲) چون بدوم، سبزه در آغوش من
- ۳) قطره باران که در افتد به خاک
- ۴) چون بگشایم ز سر مو، شکن

- تاچ سر گلبین و صحرا، منم
- بوسه زند بر سر و بر دوش من
- زو بدمد بس گهر تابناک
- ماه ببیند رخ خود را به من

۴۴- بیت «زهی گویا ز تو، کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم» با کدام گزینه تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) سرانجام از این آشکار و نهان
- ۲) در زبان و در بیان من تویی
- ۳) پس از پهلوان آشکار و نهان
- ۴) مرا خورد و پوشیدنی زاین جهان

- نبیند ز خود کمتر اندر جهان
- آشکارا و نهان من تویی
- نباشد به زورم کسی در جهان
- بس از شهریار آشکار و نهان

۴۵- مفهوم بیت «نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی / تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی» در کدام گزینه نیامده است؟

- ۱) چنین گفت: ای خدای حی رحمان
- ۲) نخست آفرین کرد بر کردگار
- ۳) ز ایران سرانید و جنگ‌آوران
- ۴) هست عالم خدای عزوجل

- کریم و قادر و دانا و سبحان
- توانا و دانا و پروردگار
- خردمند و دانا و افسونگران
- که تو را چیست پایگاه و محل

۴۶- مفهوم مقابل بیت «که جایی که دریاست من کیستم؟ / گر او هست حقا که من نیستم» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) قطره دریاست اگر با دریاست
- ۲) موج زخود رفته‌ای تیز خرامید و گفت
- ۳) آمدی، وه که چه مشتاق و پریشان بودم
- ۴) شرری پیش آفتاب، حزین

- ورنه او قطره و دریا دریاست
- هستم اگر می‌روم و نورم، نیستم
- تا برفتی ز برم صورت بی‌جان بودم
- هستی ماست پیش هستی عشق

تحلیل و تاریخ ادبیات

۴۷- «چشمه و سنگ» اثر است.

(۱) عطار (۲) نیما یوشیج (۳) مولوی (۴) قیصر امین‌پور

۴۸- بیت «بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» سروده کیست؟

(۱) حافظ (۲) مولوی (۳) سعدی (۴) عطار

۴۹- اثری از عطار نیشابوری که شعر «به نام کردگار» از آن انتخاب شده است، چه نام دارد؟

(۱) تذکرةالاولیا (۲) اسرارنامه (۳) مصیبت‌نامه (۴) الهی‌نامه

۵۰- با توجه به شعر چشمه و سنگ کدام گزینه درست نیست؟

(۱) این شعر اثری است از نیما یوشیج مشهور به علی اسفندیاری.

(۲) در این شعر، چشمه نماد افراد مغرور و خودخواه است.

(۳) قالب این شعر مثنوی است.

(۴) این شعر از آثار ادبیات تعلیمی است.

پاسخ پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۱۱ «زهی» شبه جمله و معادل یک جمله است.

۱۱ ۱ ۲ ۳ ۴

۱۸ «حقیقت» در گزینه (۲) نقش قید دارد.

۱۸ ۱ ۲ ۳ ۴

۱۹ الهی (ندا و منادا) - تو (نهاد) - فضل خود (مفعول)

۱۹ ۱ ۲ ۳ ۴

یار ما (مسند) - کن (فعل)

۲۰ از آتش رنگ‌های بی‌شمار است. ۱- رنگ‌های

۲۰ ۱ ۲ ۳ ۴

بی‌شمار برایش است (متمم) ۲- رنگ‌های بی‌شمارش از آن است. (مضاف‌الیه)

۲۱ در مصراع اول گزینه (۲) فعل «آغاز می‌کنم» به

۲۱ ۱ ۲ ۳ ۴

قرینه معنوی حذف شده است.

۲۲ مفعول در دیگر گزینه‌ها: ۱- خویشستن،

۲۲ ۱ ۲ ۳ ۴

۲- هنگامه دریا، ۳- کل بیت مفعول برای فعل دید

۲۳ ۱ ۲ ۳ ۴

۲۴ مراعات نظیر: گل، بهار و رنگ / تشخیص: خندان

۲۴ ۱ ۲ ۳ ۴

بودن گل / حسن تعلیل: آوردن علت خیالی و شاعرانه برای بی‌شماری رنگ‌های گل

۲۵ شکن - استعاره از موج / استعاره و تشخیص: ماه

۲۵ ۱ ۲ ۳ ۴

ببیند رخ خود

۲۶ مراعات نظیر: گویا، زبان، کام / مجاز: کام - مها از

۲۶ ۱ ۲ ۳ ۴

زبان و دهان - آشکار و نهان - مها از - کل وجود / تضاد: آشکار، نهان

۲۷ گزینه (۱): کنایه: پرده برداشتن از رخسار - کنایه از

۲۷ ۱ ۲ ۳ ۴

نشان دادن / گزینه (۲): مجاز: هفت افلاک - مها از - کل هستی و جهان - کفی

۲۸ مقدار بسیار کم / گزینه (۳): مراعات نظیر: رزاق، خلاق / گزینه (۴):

مجاز و استعاره وجود دارد ولی تشبیه ندارد.

۲۸ جناس «در، بر» - «سر، بر»

۲۸ ۱ ۲ ۳ ۴

۲۹ مفهوم مشترک: آفرینش جهان و انسان

۲۹ ۱ ۲ ۳ ۴

۳۰ در گزینه‌های دیگر به تبدیل قطره باران در صدف

۳۰ ۱ ۲ ۳ ۴

به مروراید اشاره شده که یک باور کهن است ولی در گزینه (۴) گوهرهای روی

شمشیر پادشاه را به باران شبانه بر روی سبزه، تشبیه کرده است.

۱ برزندگی بدون «ه» نوشته می‌شود.

۱ ۱ ۲ ۳ ۴

۲ حلال، حقارت

۲ ۱ ۲ ۳ ۴

۳ تیزپا: سریع

۳ ۱ ۲ ۳ ۴

۴ رزاق: بسیار روزی دهنده، افلاک: آسمان‌ها

۴ ۱ ۲ ۳ ۴

۵ «فروغ» واژه‌های فارسی است و ریشه آن فروز است

۵ ۱ ۲ ۳ ۴

و دو واژه بعدی عربی است از ریشه «فرغ»

۶ ۱ ۲ ۳ ۴

۷ مهلکه درست است.

۷ ۱ ۲ ۳ ۴

۸ رویش از مصدر رویدن است و با دیگر کلمات

۸ ۱ ۲ ۳ ۴

هم‌خانواده نیست.

۹ خواهی < خواهی

۹ ۱ ۲ ۳ ۴

۱۰ واژه‌های «زمان، زمانه، صبح زود، روزگار» معنای

۱۰ ۱ ۲ ۳ ۴

«هنگامه» نیست.

۱۱ گزینه‌های دیگر: (۱) مفعول (۳) نهاد (۴) مسند

۱۱ ۱ ۲ ۳ ۴

۱۲ بیت، چهار جمله دارد.

۱۲ ۱ ۲ ۳ ۴

۱۳ سایر گزینه‌ها: در گزینه (۲) جمله‌های اول، دوم و

۱۳ ۱ ۲ ۳ ۴

چهارم دوجزئی و جمله سوم سه‌جزئی است. (اگر «فعل است و نیست» به

معنی «وجود داشتن» باشد جمله دوجزئی می‌سازد.) در گزینه (۳) جمله اول

چهارجزئی با مفعول و مسند است. در گزینه (۴) همه جمله‌ها سه‌جزئی‌اند.

۱۴ گزینه‌های دیگر به ترتیب، (۱) و (۲) یک جمله و

۱۴ ۱ ۲ ۳ ۴

(۳) دو جمله دارند.

۱۵ ضمیر پیوسته در گزینه‌های دیگر مضاف‌الیه و در

۱۵ ۱ ۲ ۳ ۴

گزینه (۳) متمم است.

۱۶ ترکیب‌های وصفی در گزینه‌ها به ترتیب: هفت

۱۶ ۱ ۲ ۳ ۴

افلاک، هر پیدا، هر پنهان، هر دانا، هر نادان، رنگ‌های بی‌شمار

باتوجه به تکبر و سرکشی چشمه، دعوت بیت به افتادگی و رهاکردن سرکشی، خطاب مناسبی برای چشمه است.

مفهوم تکبر در کنایه «منی کردن» دقیق‌تر بیان شده است.

مفهوم بیت، سخن به‌جا گفتن است ولی سایر گزینه‌ها به خاموشی و سکوت اشاره دارد.

بیت صورت سؤال ادامه بیت سوم است.

مفهوم مشترک، گویایی زبان از عنایت خدا و احاطه خدا بر وجود عاشق است.

مفهوم بیت گزینه (۳) در مورد دانایی انسان است ولی بیت صورت سؤال و گزینه‌های دیگر به دانایی خدا اشاره دارد.

مفهوم بیت گزینه (۱) به کمال رسیدن قطره با رسیدن به دریاست ولی در بیت صورت سؤال، قطره با رسیدن به دریا، نیست می‌شود.

۴۸

۴۸

۴۹

این شعر اثری است از علی اسفندیاری مشهور به نیما یوشیج .

۵۰

گزینه‌های دیگر در مورد غرور است و گزینه (۲) در مورد نتیجه فروتنی

در گزینه‌های دیگر منظور از «پرده نیلوفری»، «مزرع سبز فلک» و «مینا» آسمان است ولی در گزینه «۴» مینا به معنی شیشه و جام شراب است.

در گزینه‌های دیگر تنها به سکوت اشاره شده ولی در بیت چهارم به حیرت و سکوت با هم اشاره شده که با بیت صورت سؤال مشترک است.

در گزینه‌های دیگر سرخرویی کنایه از شرم و خجالت نیست.

گزینه‌های دیگر به نقش اراده خدا در اعمال انسان (توحید افعالی) اشاره می‌کند ولی گزینه (۴) نتیجه اعمال انسان را در دنیا بیان می‌کند.

گزینه‌های (۱) و (۲) عجز انسان از توصیف خدا و گزینه (۴) بی‌خبری انسان از خویشستن است و گزینه (۳) نا آگاهی انسان از اراده خداست.

مفهوم مشترک ابیات ناچیز دیدن خود در برابر عظمت و شکوه است.

مفهوم بیت آگاهی‌بخش بودن عالم آفرینش برای اهل معرفت است ولی گزینه‌های دیگر، هریک، به نوعی به آفرینشگری خدا اشاره دارد.

مفهوم بیت اشاره به این اعتقاد قدما که: مروارید از قطره باران به وجود می‌آید.

درس

۱

چشمه و سنگ - خلاصه دانش‌ها



سؤالات امتحانی درس

قلمرو زبانی

معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

- ۱- الهی، فضل خود را یار ماکن
 ۲- تویی خَلَقِ هر دانا و نادان
 ۳- زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 ۴- فروغِ رویت اندازی سوی خاک
 ۵- غُلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
 ۶- گفت: درین معرکه، یکتا منم
 ۷- باغ ز من صاحب پیرایه شد
 ۸- زین نمط آن مست شده از غرور
 ۹- سهمگنی، نادره جوشنده‌ای
 ۱۰- داده تنش بر تن ساحل، یله
 ۱۱- وان همه هنگامه دریا بدید
 ۱۲- خواست کزان ورطه، قدم درکشد

۱۳- برای هر یک از واژه‌های زیر یک هم‌خانواده بنویسید.

- (آ) فروغ: (ب) فراغت: (پ) فضل: (ت) سازش:

۱۴- در متن زیر چند غلط املائی هست؛ درست آنها را بنویسید.

تاکونن به آیات کردگار هفت افلاک، یزدان خَلَق، رَزَاقی که فظللش را روزی ما قرار داده است، اندیشیده‌اید؟ به آن چشمه قلغله‌زن و تیزپا بنگرید که چه زیباست! به صحرا و گلبن‌های حامل بوی زیبا نگاه کنید که چه جالب است! هنگامه‌های دریاها را در ذهن خود مجسم کنید و به این همه زیور و پیرایه‌های شگفت‌انگیز توجه کنید. به چه نتیجه‌ای می‌رسید؟ شاید یکی از نتایج، رهایی از ورته خودخواهی و رسیدن به ایمان واقعی باشد.

۱۵- روابط معنایی واژگان زیر را بنویسید.

- (آ) رَزَاق و خَلَق: (ب) زهی و مرحبا: (پ) گل و خار: (ت) تیر و کمان:

۱۶- نام اجزای اصلی هر یک از جملات زیر را بنویسید.

- (آ) کردگار هفت افلاک، انسان را از خاک آفرید.
 (پ) تویی خَلَقِ هر دانا و نادان
 (ث) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
 (ج) ابر ز من، حامل سرمایه شد

۱۷- در هر یک از بیت‌های زیر، گروه‌های اسمی و هسته هر یک را مشخص کنید.

- (آ) چشمه کوچک چو به آنجا رسید
 وان همه هنگامه دریا بدید
 (ب) قطره باران که در افتد به خاک
 زو بدمد بس گهر تابناک

قلمرو ادبی

۱۸- در هر یک از بیت‌های زیر آرایه‌ها را مشخص کنید.

- (آ) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (ب) گل از شوق تو خندان در بهار است
 (پ) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
 (ت) چون بدوم، سبزه در آغوش من
 (ث) ابر ز من، حامل سرمایه شد
 (ج) راسست به مانسند یکی زلزله
 تویی هم آشکارا، هم نهانم
 از آنش رنگ‌های بی‌شمار است
 غُلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
 بوسه زند بر سر و بر دوش من
 باغ ز من صاحب پیرایه شد
 داده تنش بر تن ساحل، یله

قلمرو فکری

ابیات زیر را به نثر روان برگردانید.

- ۱۹- به نام کردگارِ هفت افلاک
 ۲۰- زهی گویا ز تو، کام و زبائیم
 ۲۱- گل از شوقِ تو خندان در بهار است
 ۲۲- گه به دهان، بر زده کف چون صدف
 ۲۳- چون بگشایم ز سر مو، شگن
 ۲۴- قطره باران که در افتد به خاک
 ۲۵- ابر ز من، حامل سرمایه شد
 ۲۶- نعره برآورده، فلک کرده کر
 ۲۷- راست به مانند یکی زلزله
 ۲۸- با توجه به هر یک از بیت‌های زیر مفهوم واژه یا عبارت مشخص شده را بنویسید.

که پیدا کرد آدم از کفی خاک
 تویی هم آشکارا، هم نهانم
 از آنش رنگ‌های بی‌شمار است
 گاه چو تیری که رود بر هدف
 ماه ببیند رخ خود را به من
 زو بدمد بس گهر تابناک
 باغ ز من صاحب پیرایه شد
 دیده سیه کرده، شده زهره‌در
 داده تنش بر تن ساحل، یله

آ) به نام کردگارِ هفت افلاک
 ب) چو در وقت بهار آبی پدیدار
 پ) گفت: درین معرکه، یکتا منم
 ت) ابر ز من، حامل سرمایه شد
 ث) در بن این پرده نیلوفری

۲۹- با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

وان همه هنگامه دریا بدید
 خویشتن از حادثه برتر کشد
 کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند
 ب) قدم درکشیدن چه مفهومی دارد؟
 ت) مفهوم بیت سوم چیست؟

چشمه کوچک چو به آنجا رسید
 خواست کزان ورطه، قدم درکشد
 لیک چنان خیره و خاموش ماند
 آ) کدام بیت آرایه حس آمیزی دارد؟ آن را مشخص کنید.
 پ) مفهوم دو بیت اول چیست؟

۳۰- مفهوم هر یک از جملات زیر را بنویسید.

آ) تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.
 ب) تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.

تحلیل و تاریخ ادبیات

۳۱- جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید.

- آ) شعر «به نام کردگار» از کتاب عطار انتخاب شده است.
 ب) الهی‌نامه از آثار، شاعر و عارف قرن هفتم است.
 پ) الهی‌نامه در قالب است.
 ت) شعر «چشمه و سنگ» در قالب و سروده است.
 ث) «داستان‌های صاحب‌دلان» به کوشش تهیه شده است.
 ج) ادبیات تعلیمی در قالب و در آثار ادبی دیده می‌شود.

پاسخ سؤالات امتحانی درس

ت) کنایه: بوسه زدن - کنایه از - عزیز و دوست‌داشتنی شمردن / اضافه استعاره و تشخیص: آغوش من / تشخیص: بوسه زدن سبزه
ث) استعاره: سرمایه - استعاره از - باران - پیرایه - استعاره از - گل‌ها و گیاهان / تشخیص: سرمایه‌دار شدن ابر و صاحب پیرایه شدن باغ / موازنه: هم‌وزنی یک‌به‌یک واژه‌های دو مصراع
ج) تشبیه: دریا - مانند - زلزله / اضافه استعاره و تشخیص: تن ساحل، تن دریا

۱۹- با نام آفریننده هفت آسمان (جهان هستی) آغاز می‌کنم که حضرت آدم را از مستی خاک آفرید.

۲۰- چه خوش است که زبان و دهانم از لطف تو گویا شده و تمام آشکار و نهان وجود من تو هستی.

۲۱- گل از شوق دیدار تو در فصل بهار خندان و شکوفا شده و به همین خاطر رنگ‌های بی‌شمار دارد.

۲۲- گاهی به خاطر سرعت مانند صدف دهانش کف‌آلود می‌شد و گاهی مانند تیری بود که به سرعت به سوی هدف می‌رود.

۲۳- وقتی چین و شکن موهایم را باز می‌کنم، ماه چهره خود را در من می‌بیند.

۲۴- قطره بارانی که بر زمین می‌افتد، از آن مروارید درخشانی به وجود می‌آید.

۲۵- ابر سرمایه‌اش را که باران است، از من گرفته است و باغ هم زینت و زیبایی‌اش را از من گرفته است.

۲۶- دریا فریاد می‌کشد طوری که با فریادش گوش آسمان را کر کرده بود و از خشم چشمانش سیاه شده بود و همه را از ترس زهره‌ترک می‌کرد.

۲۷- دریا درست مانند زلزله‌ای بود که تنش را بر روی ساحل رها کرده بود.

۲۸- آ) پیدا کرد: آفرید.

ب) پرده‌برداری: نشان‌دهی.

پ) صحرا: دشت سرسبز

ت) سرمایه: باران / پیرایه: گل‌ها و گیاهان

ث) پرده نیلوفری: آسمان لاجوردی

۲۹- آ) بیت سوم (شیرین‌سخنی) ب) دوری کردن و دور شدن

پ) دوری از خطر ت) حیرت و شگفت‌زدگی

۳۰- آ) بی‌نیازی از خلق / تکیه به رزاق بودن خدا

ب) دوری از هوای نفس تا آخر عمر

۳۱- آ) الهی نامه

ب) فریدالدین عطار نیشابوری

پ) مثنوی

ت) مثنوی / نیما یوشیج (علی اسفندیاری)

ث) محمدی اشتهاردی

ج) شعر / نثر

۱- فضل: بخشش

۲- خلاق: بسیار آفریننده

۳- زهی: شبه جمله تحسین به معنی آفرین، مرحبا، چه خوب، چه خوش

۴- فروغ: پرتو، نور

۵- غلغله‌زن: شور و غوغا کنان

۶- معرکه: میدان جنگ

۷- پیرایه: زینت و زیور

۸- نمط: روش، گونه و طریقه

۹- سهمگن: مخفف سهمگین: ترسناک

۱۰- یله: رها کرده شده، رها

۱۱- هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم

۱۲- ورطه: زمین پست، مهلکه، هلاکت

۱۳- آ) فروغ: افروغ

ب) فراغت: فارغ

پ) فضل: فاضل

ت) سازش: سازنده

۱۴- فظل - فضل / قلغله - غلغله / هامل - حامل / ورته - ورطه

۱۵- آ) رزاق و خلاق: تناسب

ب) زهی و مرحبا: ترادف

پ) گل و خار: تضاد

ت) تیر و کمان: تناسب

۱۶- آ) کردگار هفت افلاک (نهاد) انسان را (مفعول) آفرید. (فعل)

ب) سه جزئی گذرا به مفعول

ب) پروردگار (نهاد) فضل خود را (مفعول) یار ما (مسند) کرد. (فعل)

ب) چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند

پ) تو (نهاد) خلاق هر دانا و نادان (مسند) بی (هستی) (فعل)

ب) سه جزئی گذرا به مسند

ت) گل (نهاد) خندان (مسند) است (فعل) ب) سه جزئی گذرا به مسند

ث) یکی چشمه (نهاد) جدا (مسند) گشت (فعل) ب) سه جزئی گذرا به

مسند

ج) یکتا (مسند) من (نهاد) م (هستم) (فعل)

ب) سه جزئی گذرا به مسند

چ) ابر (نهاد) حامل سرمایه (مسند) شد (فعل) ب) سه جزئی گذرا به مسند

۱۷- آ) گروه اول: چشمه کوچک / گروه دوم: آن جا / گروه سوم: آن همه

هنگامه دریا

هسته

ب) گروه اول: قطره باران / گروه دوم: خاک / گروه سوم: او

هسته

گروه چهارم: گهر تابناک

هسته

۱۸- آ) تناسب: کام و زبان / تضاد: آشکارا و نهان / مجاز: کام - میاز از - دهان

ب) تشخیص: خندان بودن گل / کنایه: خندان بودن گل - کنایه از - شکوفایی

پ) کنایه: چهره‌نما - کنایه از - خودنمایی کننده - تیز پا - کنایه از -

شتابان / تشخیص: چهره‌نمایی و تیز پای چشمه